

توسعه پایدار و نهادهای مدنی

مسعود مولانا - فعال مدنی



در مورد توسعه پایدار، شاخصه‌ها و حوزه‌های کارکرد آن، تا کنون مطالب بسیار مفیدی منتشر شده است، اما بنظر می‌رسد مسئله چگونگی تحقق این تفکرات بویژه نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در این میان، باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

توسعه پایدار محل تلاقی و هماهنگی جامعه، اقتصاد و محیط زیست است. بنابراین چهار شاخص اصلی آن عبارتند از: پایداری در منابع طبیعی، پایداری اقتصادی، پایداری اجتماعی و پایداری سیاسی.

وقتی منظور ما نظام حفاظتی پایدار است، بدون تردید نقش مردم و نهادهای مدنی، بخش جدایی‌ناپذیر این نظام حفاظتی محسوب می‌شود. عدالت اقتصادی، توازن در توزیع قدرت از طریق تعمیق دموکراسی "دموکراتیک کردن هر چه بیشتر دموکراسی" و گسترش مشارکت مدنی از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد، جزو پایه‌های اساسی در مسیر توسعه پایدار و تضمین برگشت‌ناپذیری آن است.

مفهوم توسعه پایدار بر اساس آخرین جمع‌بندی سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ دارای هفده شاخصه است و جالب آن شاخص هفدهم آن "احیای مشارکت جهانی" است. در واقع این گونه است که همه آن شاخصه‌های قبلی بدون احیاء مشارکت مدنی، چه در سطح ملی و چه در سطح جهانی، امکان تحقق آن بسیار محدود می‌شود.

مشارکت مدنی هم به عنوان ابزار و هم به عنوان هدف توسعه، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در واقع قلب توسعه پایدار بر اساس تفکر توسعه مشارکتی، ضربان منظم خود را باز می‌یابد.

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در تحقق توسعه پایدار را می‌توان در چند وجه مورد توجه قرار داد:

الف - آگاه نمودن مسئولین دولتی و برنامه‌ریزان اصلی کشور

ب- فرهنگ سازی در حوزه عمومی و همراه کردن مردم با طرح‌های توسعه پایدار

ج - اجرای پروژه‌های کوچک و ارائه پایلوت‌های

موفق و پایدار در این حوزه
چ - نقد ایجابی طرح‌های و برنامه‌های مخالف توسعه پایدار و ارائه برنامه‌های راهبردی، کاربردی و گام به گام برای هموار نمودن این مسیر.

ح- سازمان‌های مردم‌نهاد روح مشارکت مدنی، همدلی، امید و همبستگی اجتماعی را در جامعه گسترش داده و زمینه فرهنگی توسعه مشارکتی را مهیا می‌سازند.

مشکل و معضل، شوربختانه فقط ندانستن و نا آگاهی نسبت به اهمیت و الزام مسیر توسعه پایدار نیست، بلکه در بسیاری از موارد، طرح‌های مخرب ضد محیط زیستی که پایداری اجتماع و سرزمین را مورد تهدید قرار می‌دهند، کاملاً دانسته و آگاهانه و فقط بر اساس منافع مالی صاحبان قدرت، مورد بهره برداری قرار می‌گیرند. سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان یک قدرت اجتماعی مدنی در چنین مواردی می‌توانند با مخالفت مدنی متشکل و با استفاده از نیروی افکار عمومی، مانع از اجرای چنین طرح‌های مخربی گردند.

یکی از الزامات مسیر توسعه پایدار، وجود و حضور انسجام اجتماعی بر اساس اراده آزاد، آگاهانه و مشارکت داوطلبانه است. تقویت و رشد سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند جامعه را از حالت توده وار آن خارج ساخته و خصلتی پویا و منسجم به آن ببخشد.

جمع بندی:

اندیشه‌های امید بخش و راهگشا، توجه به ریشه‌های بنیادین توسعه پایدار، گسترش مشارکت مدنی، افزایش سرمایه اجتماعی، نقد ایجابی مدنی، اجرای پروژه‌های حفاظت از محیط زیست و توانمند سازی جوامع محلی، بخشی از توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد برای کمک در مسیر استقرار سیستم اقتصادی - اجتماعی مبتنی بر تفکر توسعه پایدار هستند.

جان کلام آنکه: توسعه پایدار محصول پایداری مدنی است!